

گفت‌وگو با امیرحسین ربیعی کارگردان فیلم ضد:

«ضد» محصول تعامل حداکثری همه عوامل با یکدیگر است

در عرصه سینما و تلویزیون به ویژه طی ۲ دهه اخیر بار دیگر پرداختن به مقطع سیاسی و اجتماعی دهه اول انقلاب اسلامی مورد توجه فیلم‌سازان و تولیدکنندگان سریال‌های تلویزیونی قرار گرفته است و آثاری با موضوع اتفاقات و حوادث رخ داده در این مقطع زمانی، به‌ویژه شرایطی که گروهک منافقین رقم زدند، ساخته، اکران و پخش شده‌اند. یکی از جدیدترین آثاری که در عرصه سینما با موضوع حوادث دهه ۶۰ که توسط گروه منافقین رقم خورد ساخته و در حال اکران بر پرده سینماهای کشور است، فیلم «ضد» به کارگردانی امیرعباس ربیعی و محصول سازمان سینمایی سوره است. فیلم «ضد» به نویسندگی حسین تراب‌نژاد و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی است که در سال ۱۴۰۰ تولید و بعد از ۲ سال در پاییز سال جاری به اکران رسید. «ضد» در چهلمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و توانست سیمرغ بلورین بهترین نقش مکمل مرد را توسط نادر سلیمانی و سیمرغ بلورین بهترین طراحی صحنه را توسط محمدرضا شجاعی از آن خود کند.

امیرعباس ربیعی فیلم سینمایی «ضد» را به عنوان دومین تجربه کارگردانی فیلم بلند سینمایی در کارنامه کاری خود به ثبت رساند؛ کارگردانی که فیلم اول او با عنوان «لباس شخصی» در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد ولی تاکنون موفق به کسب مجوز اکران نشده است. گفتگو با این کارگردان را در ادامه می‌خوانید.

نباید در کار تهیه و تولید دخالت کنم، تهیه‌کننده هم نباید در کار هنری فیلم دخالت کند بلکه باید اعتماد کند. البته در فیلم «ضد» تعامل خوبی از سوی آقای شفیعی به عنوان تهیه‌کننده و آقای تراب‌نژاد به عنوان فیلم‌نامه‌نویس با بنده وجود داشت و از این بابت از آن‌ها تشکر می‌کنم. من فیلم می‌سازم چون قصه‌گویی را دوست دارم. به سینما نیامده‌ام صرفاً فیلم بسازم و یک‌سری حرف‌ها را بزنم، فیلم می‌سازم تا قصه بگویم، مخاطب ر سرگرم کنم و حرفم را هم بزنم. برای من مهم است حرفی که می‌زنم شعار نباشد و در جهان درام بنشیند. به همان اندازه برایم مهم است فیلمی بسازم که آئینه درونم باشد و برای خوشایند این و آن نباشد. وقتی می‌خواهم فیلمی بسازم که اقتباسی از واقعیت است، خودم را نسبت به تاریخ و آن واقعیت مسؤل می‌دانم و هر آن چیزی را که می‌فهمم، در قالب روایت واقعیت و رئالیسم موجود بیان می‌کنم. البته این واقعیت و رئالیسم موجود در چیستی ماجرا است، چگونگی و جزئیات ماجرا را متناسب با ظرفیت درام تغییر می‌دهم.

با توجه به اینکه عنوان کردید سینمای قصه‌گور می‌پسندید، ضد را در جایگاه فیلم‌نامه و قصه‌چطور ارزیابی می‌کنید؟

در فیلم «ضد» با سازمان مجاهدینی طرف هستم که ۳ طیف آدم دارد؛ طیف اول که همان شخصیت اول فیلم یعنی «سعید» است، شهوت جاه‌طلبی و قدرت او را تبدیل به یک آدم مریض می‌کند که تمام ارزش‌ها را زیر پا می‌گذارد و حتی رفتارهایی برای تثبیت جایگاه و یا ارتقای جایگاه خود انجام می‌دهد که به ضرر سازمان است. «سعید» در فیلم «ضد» حاضر نیست دکتر بهشتی را ترور کند و استدلال می‌آورد که به ضرر سازمان است، بخش اعظم این استدلال به این دلیل است که اگر ترور کند مرگ «سعید» را به همراه خواهد داشت کما اینکه وقتی محمدرضا کلاهی ترور را انجام داد، کارش در سازمان تمام شد. طیف دیگر افرادی هستند که تابع محض مرکزیت سازمان یا مسعود رجوی هستند؛ افرادی که عواطف و احساسات خود را ذبح می‌کنند و بت‌شان سازمان است که نماینده‌شان در فیلم «ضد»، کاراکتر «ناصر» است. این انسان‌ها دستور مرکزیت برای شان وحی منزلی بود که آن را مقدس می‌دانستند. مثال این امر «ابریشم‌چی» است. طیف دیگر آدم‌هایی هستند که با یک نگاه انسانی جذب سازمان شده بودند. یعنی هنوز فطرت انسانی در آن‌ها باقی مانده و تشکیلات هنوز بر عواطف و اعتقادات انسانی آن‌ها غالب نشده است؛ نمونه این طیف در فیلم «ضد»، کاراکتر «منیژه» است. این افراد از سازمان دل می‌کنند و یا شجاعت دارند که مخالفت خود را ابراز می‌کنند ولی برخی هم چون شجاعت این ابراز را نداشتند، سال‌ها در سازمان باقی ماندند. من این طیف را قربانی می‌دانم.

من سعی کردم با این کاراکترها و با زبان سینما در فیلم «ضد» به این نگاه و طیف‌ها بپردازم تا مخاطب در زیرمتن و ناخودآگاه خود این‌ها را بفهمد. برای من مهم است در سینما تمام نگاه‌های مدنظر تبدیل به درام و قصه جذاب بشود که مخاطب به صورت ناخودآگاه آن‌ها را بفهمد. سینما یعنی فیلم «فهرست شیندلر» که من صدصه‌یونست هم دلم برای کاراکترهایش می‌سوزد. وقتی این گونه فیلم بسازم، سینما تبدیل به زبان مشترک همه آدم‌ها می‌شود. آرزوی من این است که مخالف‌ترین آدم به ایدئولوژی من ناسزا بگوید ولی به احترام سینمایم کلاه از سر بردارد.

من معتقدم همان‌گونه که من به عنوان

کارگردان نباید در کار تهیه و تولید دخالت کنم، تهیه‌کننده هم نباید در کار هنری فیلم دخالت کند بلکه باید اعتماد کند. البته در فیلم «ضد» تعامل خوبی از سوی آقای شفیعی به عنوان تهیه‌کننده و آقای تراب‌نژاد به عنوان فیلم‌نامه‌نویس با بنده وجود داشت و از این بابت از آن‌ها تشکر می‌کنم

جامعه دارد. وقتی این عقیده من است، طبیعی است حتی اگر یک مساله اجتماعی ر پیگیری کنم، رگه‌های سیاسی آن را هم دنبال می‌کنم.

تعامل شما با تهیه‌کننده و فیلم‌نامه‌نویس چگونه بود؟

قبل از اینکه به این سوال پاسخ دهم اول باید بگویم که خواهش می‌کنم تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران دولتی و خصوصی بدانند که هنرمند رات نیست که کنترلش دست فرد دیگری باشد. مدیری که پشت یک میز نشسته است و قدرت تصمیم‌گیری دارد باید بداند این میز، به معنای این نیست که او از همه هنرمندتر است و از همه بیشتر می‌فهمد که بگوید من ریل‌گذاری می‌کنم و هنرمندان روی این ریل حرکت کنند. این غلط است و در فرهنگ انقلاب اسلامی و فرهنگ دفاع مقدس تعریف مدیریت این نیست، این تعریف در نظام سرمایه‌داری وجود دارد. «مدیر» در تعریف جمهوری اسلامی یعنی «خادم»، جایگاه نیست. ارزش مدیر به خدمتی است که می‌کند. فرماندهان دفاع مقدس راه را برای رزمندگان هموار می‌کردند تا رزمندگان بتوانند به جلو حرکت کنند، هدایت صرفاً برای نظم بود. بعد از دفاع مقدس جایگاه عوض شد و مدیران تصور کردند که شایستگان مردم هستند. در فرهنگ این امر شدنی نیست و دور باطل است. کار فیلم‌ساز در مواجهه با مدیران بخش دولتی و خصوصی و حتی تهیه‌کننده‌ها خیلی سخت است. من معتقدم همان‌گونه که من به عنوان کارگردان

در فیلم سینمایی ضد به سراغ موضوعی سیاسی رفتید. آیا این از دغدغه شخصی شما برمی‌آید یا انگیزه‌های دیگری برای حضور در این پروژه وجود داشت؟

به دلیل زیست، پژوهش‌ها، افکار و دغدغه‌هایم بیشتر سینمای سیاسی و تاریخ معاصر را پیگیری می‌کنم و به این ژانر علاقه دارم. فیلم‌های کوتاهی هم که پیش از «لباس شخصی» و «ضد» ساختم، موضوع سیاسی داشتند؛ سال ۹۱ یا ۹۲ اثری کوتاه ساختم که درباره اشغال عراق توسط آمریکا است، سال ۹۳ فیلم «ولد» را با موضوع جنگ غزه در سال ۲۰۱۴ ساختم، بعد به بحث مدافعان حرم و جنگ سوریه پرداختم و فیلم «ماه در خانه» را تولید کردم. در سال ۹۶ نیز فیلمی با موضوع اتفاقات سال ۱۳۸۸ ساختم. در کل می‌توانم بگویم که تاکنون فیلم غیرسیاسی نساختم‌ام. ناگفته نماند که سال ۹۴ اولین فیلم سینمایی‌ام را به طور جدی با حوزه هنری شروع کردم که متأسفانه در پیش تولید متوقف شد و هیچ‌وقت ساخته نشد؛ موضوع فیلم درباره اتفاقی در استان سیستان و بلوچستان و بحث تکفیری‌ها و ترورهایی که در آن استان انجام می‌شود و همچنین دعوی بین شیعه و سنی، بود. سال ۹۶ شروع به مطالعه پرونده حزب توده کردم تا بتوانم فیلمی با این موضوع بسازم. بنابراین پرداختن به پرونده‌های سیاسی و رفتن به سراغ «لباس شخصی» و «ضد» دغدغه شخصی‌ام بود. اگر یک روز بخواهم فیلمی با موضوع اجتماعی یا اقتصادی کار کنم، بی‌ربط به سیاست نمی‌توانم بسازم زیر من سیاست را به شدت در تمام شئون زندگی تأثیرگذار می‌بینم. من با تفکر زندگی جدای از سیاست یا متکی شدن به یک زندگی فردی که به دنبال رفاه فردی فارغ از رفاه و نفع اجتماعی است، مخالف هستم و اصلاً این زیست را قبول ندارم. در حقیقت معتقد هستم انسان، اجتماعی خلق شده است و نسبت به جامعه مسؤلیت دارد. به مذهب جدای از سیاست و فعالیت‌های فردی جدای از سیاست قائل نیستم. سیاست نقش به‌سزایی در جامعه دارد. ۹۰ درصد اختلافاتی که در حوزه‌های مختلف کشور وجود دارد؛ ناشی از سیاست می‌دانم چه سیاست داخلی و چه سیاست بین‌المللی. سیاست نقش پررنگی بر خروجی فرد فرد